

ستقیم شده عکس زانده و سلوک معنوی بیشتر رعایت باشد
بجنت رساند و همچنین صراط قیامت هم طریق است که
واصل شود بسبب محسوب بجنت و این را یعنی برای آنکه
صراط صورت شرعیت است مشرک بجا بر بصراط نبرد
چرا که مشرک را قدم بر توحید نیست نه ظاهر و نه باطنی اگر چه
او را اقام بر وجود نیست چرا که بوجد الله تعالی قائل است
و معطل را نه قدم بر وجود تیر توحید پس این هر دو را صراط
نبرد و بد فرخ بر نبدی هر دو صراط اما منافق چون خطا هر گام
اگر چه بیاطن بر توحید نیست پس او را دعا و توحید و شکر دارد
پس ضرر افتاد و آنها را که بصراط بیان و جنت را شنیده
و در طمع آن شوند مع ازان مصروف شوند از جنت در
دو رخ روند و چون همه کسان را آمدن بر صراط ضرور
افتاد و صراط نبردین چشم است الله تعالی فرمود

دان

و ان منکم الا اولادها کان علی ربک استقامتاً مقیماً
یعنی نیست از شما مگر آنکه شونده است و او بر بنا است
این رب تو را می مخاطب لازم قضا کرده شده که کافی لغت
و چون بر صراط هر دو رکنند از مومنان پیش پیش مومنان
و با بیان مومنان و بان نور راه صراط مبین و نور مقیماً
در اینجا مسلوب شود و در نظایر می بماند پس منافق
مرد و زن آوازند همه و کسانی را که مومن نه انظر و تا
تقتبس من نور که یعنی انظار کنی ما را که نفع برداریم از
نور شما جواب گفته شود ارجعوا و را کم فالتمسوا انواراً
یعنی بازگردید به منبع نور و التماس در این نور را یعنی انجا نیکه
از مکان ظلمت انجا نور طلبید پس باید دیوار حائل کرده
میان مومنان و منافقان و دران دیوار هر دو راه
که ان درون ان دیوار رحمت است و جنت است و